نقش محوری انطباق قهری در تعبیر «الیوم بعینه» در روایت زهری

35:10

شاگرد: در نظر مردم «تدری» قید مأمور ٌبه بوده ای شرط امتثال بوده؟

استاد: «صمت»؛ روزه را گرفتی و ماه مبارک هم بود. اما تو که نمیدانستی. یعنی این انطباق برای تو فایده ندارد. چرا؟ چون جزم در نیت نداشتی. فرمایش آقای حکیم است. مشکل در آن جا باشد غیر از این است که امام علیه‌السلام .... .

شاگرد: یعنی قید مأمور ٌبه نیست و در نظر مردم هم نمی گفتند.... .

استاد: یعنی مردم هم پذیرفته بودند که «کان من شهر شعبان». مشکل را از ناحیه انطباق «وقع علی الیوم بعینه» نداشتند، از ناحیه دیگری مشکل داشتند. حالا به اندازه چند لحظه فرمایش دیروزتان را بگویید.

شاگرد: به نظر میرسد که شیخ این ارتکاز را دارند که انطباق قهری اینطور نیست که ملازم با امتثال باشد. ممکن است انطباق قهری باشد ولی امتثال نباشد.

استاد: یعنی شارع باید امتثال را بیش از انطباق قهری معنا کند. این جور فرمودید. ببینید آلآن که تفضل را با قرینه داخلیه عرض کردم، حالا به روایت زهری بیاییم. روایت زهری با این مضمونی که در روایت سماعه بود، مطلب مهمی را بیان میکرد. عبارت را در اینجا نگاه کنید. ببینیم در این عبارت روایت زهری، تأکید امام روی کدام واژه است. روایت زهری را چندین بار خوانده ایم. امام علیه‌السلام وقتی توضیح میدهند آقای زهری اشکال میکنند. اشکالی که دیروز عرض کردم اصلا ًجا ندارد.

> **عن الزهري، عن علي بن الحسين عليه السلام (في حديث طويل) قال وصوم يوم الشك أمرنا به ونهينا عنه، أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان، ونهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس، فقلت له: جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع؟ قال: ينوي ليلة الشك أنه صائم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه، وإن كان من شعبان لم يضره، فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟ فقال: لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان ثم علم**

> **بذلك لأجزأ عنه، لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه**[1]

«... فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟»؛ شما می‌گویی اگر نیت ماه شعبان کند، ان کان من رمضان اجزأ عنه و ان کان من شعبان لم یضره. خب «کیف یجزی صوم تطوع عن فریضه؟» و حال آنکه نیت شعبان کرده؟!

«فقال: لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان»؛ نیت مستحب کرده است، **«ثم علم بذلك لأجزأ عنه»؛** وقتی علم پیدا کرد از او مجزی است، چرا؟ دلیل را ببینید. **«لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه»؛** الآن عرض من این است: گاهی کلمه «بعینه» برای تأکید می‌آید؛ برای دفع محتملات دیگر می‌آید. مثلاً می‌گویی زید را دیدم بعینه. ضربته بعینه ای بنفسه. تأکید یعنی خیال نکنی که من یک مجاز ای مالابستی را به کار می‌برم. آن یک جا است. آیا در این حدیث که امام علیه‌السلام کلمه «بعینه» را به کار بردند، وجه تأکید دارد؟! عرض من این است که قطعاً در اینجا تأکید نیست. در اینجا مخ استدلال امام علیه‌السلام است.

اشکال او چه بود؟ «وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟»؛ امام می‌خواهند به اشکال او جواب بدهند. می‌گویند «الیوم بعینه». عرض من این است که «الیوم بعینه» یعنی الیوم المعین. اگر می خواهی الیوم المعین را بگویی، دیگر در اینجا تأکید نیست، وصف احترازی است. یعنی گاهی یک روز، مردد است و واقعاً دو روز است. اما یک وقتی یک روز معین است؛ الیوم بعینه؛ یعنی الیوم معین است. دقیقاً مثل این است که یک وقتی می‌گویی «الیوم» که به‌معنای روز است. یک وقتی هم می گویی «الیوم بعینه» که به معنای «الیوم المعین» است. دیدی که می‌گویی نذر معین؟ یا می گوید نذر یک روزی اما نامعین. من نذر کردم جمعه را روزه بگیرم؛ این معین است؟ نه. اما اگر «هذه الجمعة» را نذر کنم، می‌شود الیوم بعینه. یعنی الیوم المعین. چرا به این صورت است؟ به‌خاطر اینکه اگر «بعینه» را مخ استدلال نگیری، جواب نمی‌شود. مگر به وجهی... .

ببینید استدلالات دو جور است. استدلالاتی که از پشتوانه تعبد برخوردار است، و استدلالاتی که از پشتوانه مفهوم و اقناع نوع برخوردار است. الآن که او گفت «كيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟»، امام دو گزینه دارند. یکی جواب بدهند و بگویند درست است که می‌گویی «کیف یجزی صوم التطوع»، اما «لان الفرض وقع علی الیوم»؛ روزه ماه مبارک بر امروز واقع شد. به فرمایش شما باید ببینیم که شارع این وقوع را می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد. امام با پشتوانه تعبد می‌گویند اینجا از آن جایی است که پذیرفته است. «لان الفرض وقع بتکمیل من الشارع بعینه»، پس دیگر مجزی است. اگر این باشد، این یک استدلالی تعبدی است که به علم امام بر می‌گردد.

اما با توجه اقناع مخاطب از حیث متفاهم استدلال –اینکه طرف می‌خواهد مطلب را بفهمد- اصل استدلال بر تعبد نیست. و الا می‌گفتند «نعم یجزی». او می‌پرسید هل یجزی؟ حضرت هم می فرمودند نعم یجزی. تمام شد. یعنی حضرت یک مطلب تعبدی را فرموده بودند. اما الآن که می فرمایند «لان الفرض وقع علی الیوم بعینه»، می‌خواهند او را روشن کنند که مطلب چیست. در اینجا امام با «بعینه» چه کار کردند؟ یعنی ما که دو روز نداریم، یک روز معین است که ای فرض است ای تطوع است. تو چرا می‌گویی تطوع یجزی؟ این یک روز معین است. فرض واقعی بر یوم معین به وقوع قهری واقع شده است. در اینجا طرف قانع می‌شود. یعنی جواب حرف خودش را می‌گیرد. استدلالی است که طرف می‌فهمد چرا اشتباه کرده است. پشتوانه تعبد هم نیازی نیست. یعنی حضرت به او فهماندند که دو روز نیست. لذا است که می‌گویم «بعینه» مخ استدلال است. یک روز است، در یک روز معنا ندارد که بپرسد «کیف یجزی التطوع عن الفرض». یک روز که بیشتر

نبود و آن هم ماه مبارک بود. پس ما اصلاً تطوعی ندارىم. تو اشتباه کردهاى. اگر «الیوم بعینه» نبود، مىگفتى من یک تطوعى گرفتهام که از فردا مجزى باشد. این دو تا مىشد؛ یعنى تطوع دیروز از فرض فردا مجزى مىشد. این معنا داشت. اما وقتى یک روز است، در یک روز که نمىشود بگویند هم تطوع است و هم فرض است. مىدانىم که ماه مبارک بود و یک روز هم بود. الفرض یعنى واجبى که شما نمىدانستید، وقع علی الیوم المعین. حرف تو کجا پیش مىآید که تطوع مجزى از صوم شده؟! بله، تخیل نیت تو بوده. اصل عرض من بماند براى شنبه.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج ۷ ص۱۴

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 10:32:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 10:34:45 توسط ... .